

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
The Decay of Sematic Dimension of Street in Iran
(From the Ancient Times to Today)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

زوال بعد معنایی خیابان در ایران (از دوران باستان تا امروز)

محمد آتشین‌بار^{۱*}، حشمت‌اله متدین^۲

۱. مدرس پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران؛ پژوهشکده نظر، ایران.
۲. استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران. ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۲۰ تاریخ اصلاح: ۹۷/۰۹/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۱۷ تاریخ انتشار: ۹۷/۱۰/۰۱

چکیده

خیابان پر ز خوبان باد دایم که فرع این جمال آمد کمالش^۱
بیان مسئله: تقدم اندیشه بر زبان یا زبان بر اندیشه، همواره از مباحث پرچالش میان اندیشمندان بوده؛ اما تأثیر حتمی این دو بر یکدیگر مورد توافق همگان است. به عبارتی از یک طرف، تمدن‌های پرمایه، واژه تولید می‌کنند و از طرف دیگر، واژه‌ها فرهنگ‌سازی می‌کنند. بر همین اساس، شناخت عمیق از واژه‌های مورد استفاده در زمینه‌های مختلف علمی از جمله مطالعات شهری منجر به ارتقای نقش آنها در تولید فضا می‌شود. شهر به مثابه یکی از مهم‌ترین مظاهر تمدن بشر، از عناصر اولیه‌ای بهره می‌برد که «خیابان» در زمره مهم‌ترین‌ها آنهاست. در شهرهای ایران «خیابان» با مفهوم امروز، نسبتاً نوظهور است که علی‌رغم سابقه باستانی واژه، کاربرد نوین آن به دوره معاصر^۲ باز می‌گردد. این پژوهش با مبنای قرارداد پرسش هستی‌شناسانه از خیابان درصدد است با بررسی تحلیلی اسناد تاریخی، تحولات مفهومی - شکلی خیابان را در تاریخ شهرهای ایران تفسیر و طبقه‌بندی کند.
هدف: مقاله با تبیین و طبقه‌بندی تحولات خیابان است.
روش تحقیق: پژوهش حاضر تحقیقی تاریخی - تحلیلی است که اشتراکات و تمایزات کاربرد خیابان در تاریخ ایران بعد از اسلام را طبقه‌بندی می‌کند.
نتیجه‌گیری: خیابان در تاریخ ایران، نقشی مفهومی در پدیدآمدن شهر بر عهده داشته، اما در دوره معاصر، با کم‌رنگ شدن بعد معنایی آن، صرفاً به شکل تنزل یافته است.
واژگان کلیدی: راه، خیابان، واژه‌شناسی شهر، زبان‌شناسی خیابان.

واژه‌های پر استفاده در ادبیات فارسی برای نام‌گذاری انواع راه است که هر یک معنای مشخصی را نمایندگی کرده و اکثراً از صورت ترکیب قابل تشخیص است. در ادبیات شهری ایران قبل از دوره قاجار، بسیاری از این کلمات را می‌توان در مکالمات شهری و آثار ادبی یافت. اما از اواسط این دوره، در پی تبدلات فرهنگ ایران و غرب، تغییراتی در نام‌گذاری و شکل انواع راه پدید آمد که تأثیر آن تا

مقدمه و بیان مسئله
کوره‌راه، شاهراه، کوی، کوچه، کوچه آشتی‌کنان، کوچه پس‌کوچه، کوچه باغ، کوچه بازار، شاه‌کوچه، گومچه، کوتار، بن‌بست، بن‌باز، دالان، گذار، گذر، گذرگاه، پهنا و خیابان از

* نویسنده مسئول: atashinbar@ut.ac.ir، ۰۹۱۲۱۹۷۹۸۲۶
این مقاله برگرفته از رساله دکتری محمد آتشین‌بار با عنوان «خیابان: مقایسه تطبیقی منظر خیابان در تاریخ معاصر تهران» است که به راهنمایی دکتر سید امیر منصور، سال ۱۳۹۳ در دانشگاه تهران انجام شده است.

خیابان را در مقابل بیابان می‌داند و معتقد است که لفظ بیابان به دشت وسیع بی‌آب و خیابان که ضد آن است به گلزار و چمن اطلاق می‌شود (متینی، ۱۳۶۱: ۷۴). «سعید نفیسی»، خیابان را متشکل از دو کلمه خوی+آب به معنی جایی که آب از زمین می‌جوشد دانسته و معتقد است «الف» و «نون» آخر آن «الف» و «نون» است که در آخر بسیاری از نام‌های جغرافیایی و آبادی‌های ایران آمده است مثل رادکان و اردکان و رازان و تهران و شمیران (نفیسی، ۱۳۴۴: ۵). دبیر سیاقی «الف» و «نون» در کلمه خیابان که در تداول، خاصه در تداول مردم قزوین و تبریز خیوان هم گفته می‌شود، نشانه نسبت می‌داند (خیاب+ان) یا (خیاو+ان). وی با ارجاع به غیث اللغات خیاب را به معنی بی بهره و ناامید و خیاو را به معنای جایی که آب آن اندک باشد دانسته است (دبیر سیاقی، ۱۳۷۹: ۲۰۴). «جنیدی» واژه خیابان را مرکب از ترکیب خوی+آپان (آبان) به معنای نگهبان آب و جایی که براساس حضور یک چشمه درخت کاری می‌شود می‌داند. وی نیز در مقابل خیابان، واژه بیابان (ویاپان) به معنای جایی که دور از نگهبان است را قرار می‌دهد (جنیدی، ۱۳۹۰).

اینکه به معبر اصلی درون باغ، خیابان گفته شود، نه تنها با تحلیل‌های زبان‌شناسی از جمله نظر دکتر جنیدی تأیید می‌شود، بلکه به طور مستقل نیز به عنوان بهره‌گیری از معنای مقدس تفسیر می‌شود. با توجه به اندیشه باستانی ایرانیان به ویژه در دوره آیینی مهر و زرتشت و اهمیت الهه‌های مهر و اناهیتا در باور مردمان، نمادهای طبیعی آنها از جمله آب و گیاهان برگزیده مانند سرو و انار، می‌توان باغ را به مثابه معبدی برای ارتباط با عالم قدسی برای ایرانیان به حساب آورد. مفهومی که با سنت شناخت باغ ایرانی به مثابه فضایی معنوی و مناسب تأمل، سازگاری دارد.

خیابان واژه خیر

به نظر می‌رسد ریشه واژه خیابان با عنصر آب پیوند خورده و از مشخصه‌های فضایی آن طراوت و تازگی است، نیز به دلیل اینکه آب از عناصر اسطوره‌ای تاریخ تمدن ایران - به خصوص قبل از اسلام - محسوب می‌شود می‌توان ریشه‌های مفهومی واژه خیابان را مرتبط با دوره باستان دانست. تحلیل مفهوم واژه آب در زبان فارسی و ترکیباتی که با آن ساخته شده، همچون «آبرو» حاکی از اصالت و خیربودن عنصر آب در زبان است. آبرو به مثابه مهم‌ترین وجه شخصیتی و ذهنی انسان، که حفظ آن به تعبیری مهم‌تر از حفظ جان شناخته شده، از ترکیب آب، حامل معنای قدسی، با رو، به معنای صورت و جسم، به دست آمده است. در این ترکیب، آب در معنای جان و عامل به وجودآورنده و حیات‌دهنده به

امروز نیز پابرجاست. از مهم‌ترین این تغییرات استفاده از واژه «خیابان» به جای بسیاری واژه‌های دیگر است. در عصر پهلوی با افزایش هیجانات مردم در مواجهه با پیشرفت‌های صنعتی و اجتماعی غرب، توسعه شهری مطابق الگوهای فرنگی مورد توجه قرار گرفت و برای ساماندهی راه، از تجارب مستشاران اروپایی در ایرانیزه کردن این مفهوم استفاده شد. اما اختلاط در اقتباس مفاهیم همراه با نوعی ساده‌انگاری در مفهوم شهر، یکسان‌سازی در شکل راه‌ها را به همراه داشت که به «خیابان» شهرت یافت. بعد از انقلاب این رویکرد تشدید شد و امروزه تقریباً تمام راه‌های شهری، خیابان نام دارند.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر، تاریخی-تحلیلی است که تحولات «معنایی-شکلی» خیابان را با بررسی اشتراکات و تمایزات کاربرد آن در تاریخ ایران بعد از اسلام، در سه مرحله استنباط می‌کند. داده‌های مورد استفاده کتابخانه‌ای و غالب اسناد لغت‌نامه و سفرنامه هستند. مراحل مطالعه و پژوهش به شرح ذیل تنظیم می‌شود:

۱. ریشه‌شناسی واژه خیابان؛
 ۲. کاربرد خیابان در تاریخ معماری و شهرسازی ایران؛
 ۳. تحلیل تطبیقی مفهوم واژه خیابان با کاربرد آن.
- دوره زمانی در نظر گرفته شده برای مطالعه، تمدن ایران طی سال‌های ورود اسلام تا امروز است.

پیشینه تحقیق

منابع فارسی که به خیابان پرداخته‌اند را می‌توان به سه گروه اصلی تقسیم کرد:

گروه اول، پژوهش‌هایی که مفهوم کلی و زبان‌شناسی واژه خیابان در آنها مد نظر بوده و به تحلیل معنایی فضاهای ارتباطی و حرکتی پرداخته‌اند (براتی و زرین‌قلم، ۱۳۹۲ و حبیبی افغانی، ۱۳۴۹).

گروه دوم، پژوهش‌هایی که به بازشناسی مفهوم خیابان به مثابه فضای شهری پرداخته‌اند. در این پژوهش‌ها، بعد کارکردی خیابان مد نظر بوده و ابعاد شکلی مورد تأکید قرار گرفته است (خادمی و پورجعفر و علی‌پور، ۱۳۸۹؛ دانشپور، ۱۳۷۹).

گروه سوم پژوهش‌هایی که خیابان را به مثابه منظر مورد پرسش قرار داده و بعد معنایی خیابان در آنها مورد تأکید قرار گرفته است (آتشین‌بار، ۱۳۸۹؛ منصوری و محمدزاده، ۱۳۹۶).

خیابان عنصری از معبد

گوهر نوشاهی مدرس زبان اردو در دانشگاه فردوسی مشهد،

جسم بوده و وجه اعتباری آن معرفی شده است.

خیابان، منظر آیینی

بر حسب گزارش‌های تاریخی، واژه خیابان برای نامیدن منطقه یا محله‌ای از شهر به کار می‌رفته است. خیابان هرات از جمله مشهورترین بلوکات^۳ هرات است که در کتب تاریخی قبل از قرن نهم قمری با نام‌های خدابان، خدایگان، خیادوان و خدابان نیز یاد شده است.

در برخی نقل قول‌های کتاب «طبقات الصوفیه» اثر «خواجه عبدالله انصاری» که درباره احوال و اقوال مشایخ تصوف در قرن پنجم هجری است، به محلی بنام خدابان اشاره می‌شود که مقبره بزرگان و محل آمد و شد صفویان بوده است: «شیخ الاسلام گفت: لیث پوشنجه سید بود بزرگ عارف، پای برهنه رفتی. وی گفت: از پوشنگ بیامدم بهری^۴، بآن سبب ایذر بماندم، که بخدابان [به خیابان] می‌گذشتم بر گورستان. زنی بگوری نشسته بود می‌گفت: جان مادر، یگانه مادر! بمن از آن حال نبود [از آن مرا حالی پیدا شد] ... گور لیث پوشنجه به خدابان [خیابان] است.

چون وی برفت او را یاران بودند، بر سر گور وی جایی کردند، چارطاقکی بر بام خانه و در آن می‌بودند (انصاری، ۱۳۴۱: ۴۳۲ - ۴۳۳)». اهمیت این منطقه در قرن پنجم به حدی بوده که امرای سلسله غزنویان از جمله شاه مسعود مراسم جشن عید قربان را به همراه تشریفات نظامی در برابر آن انجام می‌داده‌اند: «و عید اضحی فراز آمد، امیر تکلفی بزرگ فرمود از حد و اندازه گذشته و هرات شهری است که آن سلاح که آنجا بود به هیچ شهری نبودی ... پس عید لشکر عرض کرد امیر به دشت خدابان [خیابان] و هر کس که نظاره آن روز بدید اقرار داد که به هیچ روزگار چنین لشکر یاد ندارد (بیهقی، ۱۳۸۳: ۵۵۵)». سیفی هروی در اواخر قرن هفتم هجری در خصوص آبادانی که «ملک فخرالدین» در شهر ایجاد کرد می‌نویسد: «در پای حصار در اندرون شهر دو خندق عظیم بکند ... و هر ماه هزار دینار به درویشان بداد ... و در مزارات و مقابر چون گازرگاه و خیادوان [خیابان] و «خواجه ابولولید» و ... ختم قرآن فرمود (سیفی هروی، ۱۳۸۲: ۴۴۱). یاقوت حموی نیز خدابان [خیابان] را از بخش‌های هرات معرفی کرده است (یاقوت حموی، ۱۳۹۶: ۳۴۹).

اینکه خدابان چه زمانی به خیابان تغییر نام داد مشخص نیست؛ از آنجا که در کتب قرن نهم هجری از لفظ خیابان استفاده شده به نظر می‌رسد این تغییر در گویش پس از دوره غزنویان رخ داده باشد. در کتاب جغرافیای حافظ ابرو در قرن نهم هجری چنین آمده است: «بلوک خیابان بر شمال رود [هری‌رود] است و بر شمال شهر نیز، متصل بلوک انجیل است و بر شمال انجیل و مزارات بزرگان در آن بسیار است

(حافظ ابرو، ۱۳۴۹: ۲۱)». همچنین به فراوانی حضور آب جاری در آن تأکید شده است: «این قرای مذکور بعضی آب رود است و بعضی کاریز، اما رود زیاده است (همان: ۲۱)». در این کتاب از ساخت مسجد و مدرسه‌ای در بلوک خیابان در جنب جوی انجیل به دست گوهرشادآغا اطلاع داده شده است: «خیابان در قرن نهم هجری سرسبزی و آبادانی زایدالوصفی داشته و بزرگان زیادی در آنجا مدفونند. گنبدی که گوهرشادآغا، خانم شاهرخ، از کاشی معرق ساخته بود ... نعش خود گوهرشادآغا به سال ۸۶۱ در آن بقعه مینو گذاشته شد و هم سایر شاهزادگان تیموری در آنجا خوابیده‌اند. خیابان از نگاه فسحت و آب و هوای گوارا، موضع بغایت نیکوست (همان: ۸۷)». میرخواند هم در کتاب «تاریخ روضه‌الصفاء»، خیابان را یکی از نه ملوک [بلوک] بلده طیبه هرات معرفی کرده می‌نویسد: «و از موضع میمون که بلطافت آب و هوای آن در ربع مسکون موضعی نیست خیابان هرات است و بی‌شایبه تکلف و غایله تصلف مضمون کلمه روضه من ریاض الجنه در شان آن آیتی است و فحوای مقوله (ع) روضه ماء نهرها سلسال در اوصاف بساتینش روایتی:

از غایت نزه و خوبی و دلکشی

پنداشتم که جنت عدلست در خوشی

در بر گرفته شاخ و شجرهای او حلال

بر سر کشیده خاک چمن‌های اووشی

در سقف‌ها گنبد خضرا ز عکس او

گل‌های گونه گونه ز حمر او آتشی

و مزارات اکابر و مشایخ و علما و صلحا در آن موضع متبرک بسیار است و حظایر و بقاع در یمین و یسار آن بی‌شمار و در زمان جاهلیت نیز این مقام میمون و مکان همایون قبله دعوات خاص و عام بود. از جمله معظم مزارات که در آن موضع با برکت واقع است مزار امام فخرالملله و الدین عمر رازی^۵ است (میرخواند، ۱۳۳۹: ۵۱۹ - ۵۲۰)».

از بلوک خیابان در کتاب «روضات الجنات» اسفزاری که تاریخی کامل از هرات است به مثابه فضایی آیینی یاد شده که قبل از ورود اسلام مورد توجه بوده و بعد از اسلام نیز مزار بسیاری از بزرگان، عرفا، مشایخ، سخنوران و دانشمندان خراسان در آن بوده است؛ همچنین به شعری از «نورالدین عبدالرحمن جامی» اشاره می‌شود که در آن، مرتبه و جایگاه خیابان هرات از لحاظ لطافت و محشوربودن با علما با بهشت مقایسه شده است: «از مواضع میمون که بمبارکی آن زمینی در ربع مسکون نشان نمی‌دهند، خیابان هرات است، که بلطافت هوا و عجایب حظایر و غرایب بنا ممتاز است و در بزرگی مزارات و لطایف عمارات و مقابر و بقاع متبرکه که در یمین و یسار آن واقع است از شرح و بیان بی‌نیاز است و آن جایی است که از قدیم الایام چه در وقت جاهلیت و چه در

تشخیصی ویژه نسبت می‌دهد، بلکه صفات ذاتی مکان شناخته شده‌اند و بی آنکه تاریخی برای آن ذکر شده باشد، منطری مقدس شناخته شده است. اگرچه از نخستین دلایل این معنا اطلاعی در دست نیست اما چنین اعتباری که وابسته به کالبد فضا تعریف شده باشد، اهمیت خاصی دارد.

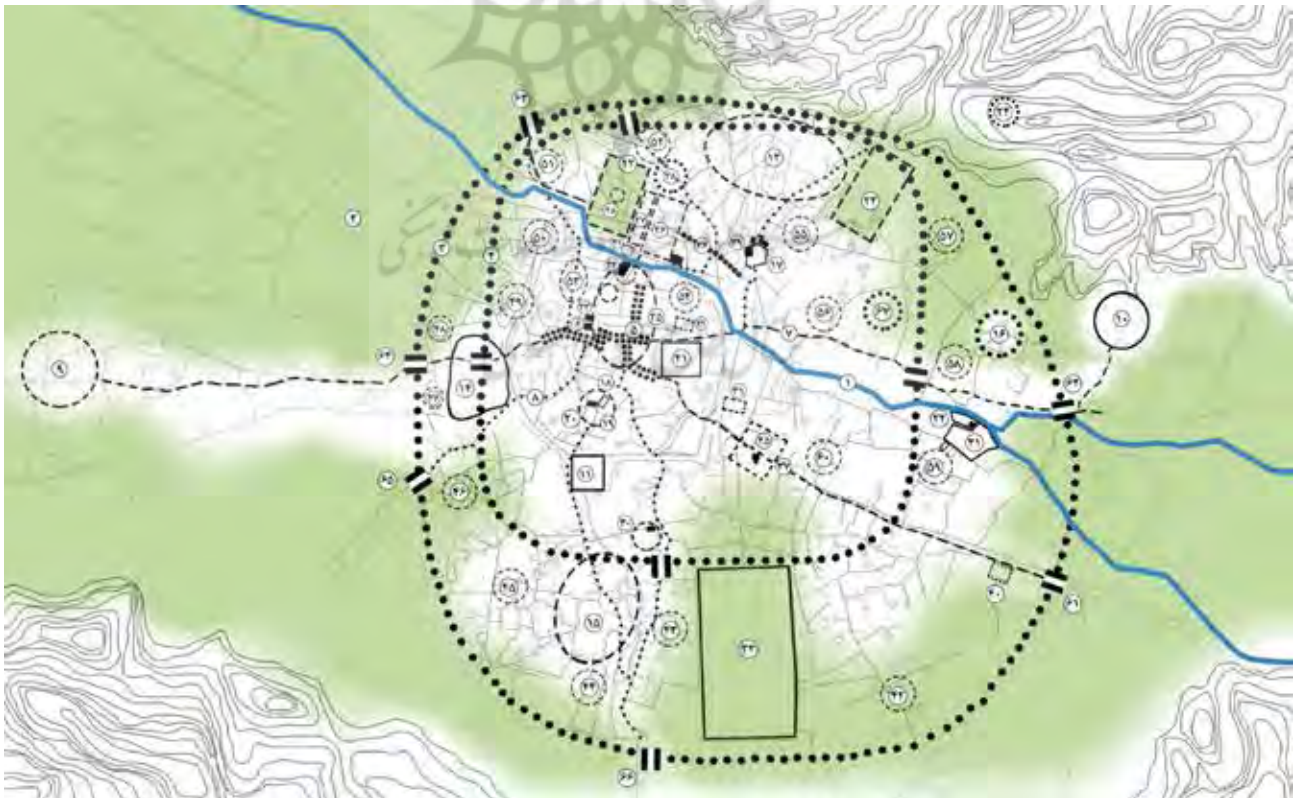
خیابان، تداوم مفهوم باستان

در کتب تاریخ اصفهان، مشهد و تبریز نیز از محله‌ای با نام خیابان یاد شده است. «اولیا چلبی» که در زمان سلطنت شاه صفی در سال ۱۰۵۰ به تبریز آمده از محله خیابان نام برده که به دروازه خیابان منتهی می‌شده است (خانلو، ۱۳۶۴: ۵۱-۵۶). همچنین در کتاب تاریخ تبریز آمده است: «از شرق تا غرب تبریز را دو طول است: نخست از آخر باغات نارنج تا پل رود آجی دو فرسنگ، دوم از اول محله خیابان تا به اول آبادی روستای قراملک که دو فرسنگ و نیم (مشکور، ۱۳۵۲: ۵۸)». در مقاله تحولات سازمان فضایی شهر تبریز از اوایل اسلام تا دوره قاجار نیز «منصوری» و «محمدزاده» بر نقش این محله در سازمان فضایی شهر تبریز در دوره قویونلوها تأکید دارند که در قرن ۱۳ هجری به مثابه یک جزء مستقل از دروازه خیابان شروع شده و دارای بازار و مسجد نیز هست (تصویر ۱).

روزگار اسلام همیشه میمون و مبارک و قبله دعوات و کعبه حاجات خلایق بوده و همه مردم از اصغر و اکابر و مقیم و مسافر بدان مقام شریف تیمن و تبرک جستند، و در همه زمان و ادیان معابد و عیدگاه و مقابر و نزهتگاه خواص و عوام بوده، چنان‌که حالا مصلی و گشت‌جای مسلمانانست، و در زمان سابق او را کوی خدایگان می‌گفته‌اند و بعبارت فرس خدایگان پادشاه را گویند:

حدیث روضه مکن جای، این نه بس ما را که در سواد هری ساکن خیابانیم (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲۲ و ۸۶)».

از اوصاف خیابان در سده‌های پیش از نهم هجری در هرات بر می‌آید که مکانی برگزیده و خاص بوده است. از نسبت آن به اسطوره‌های پیشینیان گرفته تا مکان‌یابی مقبره قدرتمندان و سلاطین در امتداد آن و برگزاری آیین‌ها و جشن‌ها، حاکی از ارتباط معنوی میان مفهوم قدسی و مبارک با مکان کالبدی خیابان بوده است. همچنین زیبایی منسوب به خیابان که با واژه‌هایی چون روضه و جنت از آن یاد شده و قابل قیاس با بهشت خطاب شده است، اینگونه تفسیر می‌شود: این مکان از قدیم الایام چه در وقت جاهلیت و چه در روزگار اسلام همیشه میمون و مبارک و قبله دعوات و کعبه حاجات. این وصف از خیابان، صفات آن را نه به رویدادی خاص و نه به



تصویر ۱. سازمان فضایی شهر تبریز در قرن ۱۰ هجری. شماره ۶۰ محله خیابان و ۲۵ مسجد مسجد کبود، گورستان و باغ‌های اطراف هستند. مأخذ: منصوری و محمدزاده، ۱۳۹۶: ۲۸.



تصویر ۲. خیابان چهارباغ اصفهان (مدرسه مادر شاه سلطان حسین) در اواسط قرن سیزدهم هجری. منظرپردازی خیابان متأثر از کانسپت باغ ایرانی است. ترسیم شده توسط پاسکال کوست ۹ (معمار) که همراه اوژن فلاندن ۱۰ (نقاش) در سال ۱۸۴۰ از ایران بازدید کردند. مأخذ: Coste, 1867.

حضور درختان ردیف شده در دو سوی خیابان و جداره‌سازی منظم و یکسان خیابان (آل‌هاشمی، ۱۳۹۱: ۶۸). پس از شاه تهماسب به دستور شاه عباس اول خیابان‌های بیشتری در ایران احداث شد؛ در این زمان، خیابان به مفهوم گذرگاه و راهی در میان باغچه‌ها و درختان در باغ‌های خصوصی یا عمومی-محل تفریح و فراغت بوده است؛ چهارباغ اصفهان از دیگر نمونه‌های اولیه خیابان به مثابه راه اصلی در باغ است (تصویر ۲). خیابان چهارباغ به منزله فضای شهری با هویت کالبدی، به صورت مثبت آن به منزله فضای خالی بین ساختمان‌ها طراحی شد که شکل را می‌ساخت و ساختمان‌های پیرامون نقش زمینه را داشتند. این امر در معابر آن زمان بی‌سابقه بود (اهری، ۱۳۸۵: ۵۳). این خیابان نیز از الگوهای کالبدی خیابان قزوین تبعیت می‌کند با این تفاوت که تأکید بر جنبه‌های معماری آن بیشتر است. چنین رویکردی خیابان چهارباغ را به فضایی شهری بدل کرد که نقش اصلی را در سازمان فضایی شهر بر عهده داشت. خیابان‌های عصر صفوی علاوه بر داشتن کارکرد اصلی صوری به عنوان مسیرهای تفریحی، در دوره‌های بعد، زمینه‌ساز توسعه شهرها، خارج از بافت قدیم شدند؛ چهارباغ شیراز (خیابان حافظ) از این نمونه است. اگرچه ساخت خیابان در داخل شهر و به عنوان فضای شهری، نوآوری عصر صفوی محسوب نمی‌شود، اما بهره‌گیری از مفهوم ذهنی آن به مثابه فضایی معنوی و شورانگیز، به ویژه با صورت‌هایی که در باغ ایرانی رواج داشته، اختصاص به عصر صفوی دارد. پیش از آن، خیابان، مفهومی اسطوره‌ای و آیینی بود که حتی می‌توان گفت غلبه این مفهوم موجب بروز آن در باغ می‌شد، اما در عصر صفوی مفهوم خرمی و نزهت خیابان باغ به عنوان تفرجگاه شهری اقتباس شد و خیابان‌هایی در قزوین، اصفهان، شیراز و ... پدید آورد.

تأسیس خیابان در خارج باغ در جغرافیای ایران امروز، بنا به شواهد تاریخی به نظر می‌رسد برای نخستین بار در تبریز بوده باشد. خیابان میان مجموعه مسجد کبود تا دروازه ری شهر تبریز، بعدها شالوده تشکیل محله خیابان قرار گرفت که بزرگانی مانند شیخ محمد خیابانی از سران مشروطه از آن به پا خاستند. انتخاب نام خیابان برای نامیدن راه ارتباطی به مقبره قویونلوها در خارج شهر تبریز، به نظر می‌رسد بیشتر مربوط به سیاستی در تداوم سنت معنایی و مفهومی خیابان هرات باشد تا به عنوان یک مکان مقدس و متبرک شناخته شود. اینجا نیز خیابان در مفهوم امر قدسی به کار رفته است.

خیابان ارجاع مجدد به باغ

از اوایل قرن دهم، خیابان با مفهوم فضای شهری مطرح و مشخصات آن با باغ ایرانی توضیح داده می‌شود. مصراع ارادت خان واضح^۷ «خوش خیابان‌بندی کردند در بستان ما» از معروف‌ترین نمونه‌های مورد استناد لغت نامه‌ها برای تشریح مفهوم خیابان است. ممکن است این برداشت از خیابان وابسته به باغ‌شهرهای ایرانی ساخته شده در منطقه خراسان بزرگ قبل از قرن دهم باشد. البته در فرهنگ‌هایی که در هفتاد سال اخیر تألیف شده مانند «فرهنگ نظام»، «فرهنگ نفیسی» ناظم‌الاطباء و امثال آن به برخی از دیگر معانی این کلمه همچون راه عریض و هموار، شارع، هر کوی مستقیم و فراخ و دراز که اطراف آن درخت و گل باشد و ترکیبات آن مانند خیابان‌بندی، خیابان‌سازی، خیابان‌گردی نیز اشاره شده است. معانی دیگر این کلمه همچون گلزار، باغچه، تپه گل، راه درون باغ‌ها در بین درختان، چمن‌ها، باغچه‌ها و امثال آن همگی بر جنبه‌های طبیعی این واژه دلالت می‌کند: برهان قاطع (۱۰۶۲ ق): خیابان راهرو میان باغ است.

بهار عجم (۱۱۵۶ ق): راهی که در میان چمن‌ها باشد. خیابان‌بندی کردن، راست ساختن خیابان به رسم معهود است.

فرهنگ انجمن آرای ناصری (۱۲۸۷ ق): گذرگاه‌هایی که میان باغچه‌ها و درخت‌ها به طول و عرض باغ ترتیب دهند در برابر یکدیگر.

دهخدا (معاصر): به معنی گلزار و چمن است. راهی ساخته و بیشتر در میان دو صف درختان باغ (ج ۷: ۱۰۱۷۳).

در این دوره، خیابانی که با این مشخصات فضایی از آن نام برده شده خیابان قزوین است که شاه تهماسب صفوی^۸ هنگام انتقال قزوین به عنوان دارالسلطنه آن را احداث کرد. خیابان قزوین که در سال ۹۶۵ هجری احداث شد از یک سو به دولتخانه و از سوی دیگر به سر در منزل شاهی منتهی می‌شده است. عبدی‌بیگ^۹ بر چهار عنصر اصلی شکل دهنده خیابان قزوین اشاره دارد: هندسه مستقیم و بدون هیچ پیچ و تاب، حضور قوی عنصر آب،

خیابان در مرز دیروز و امروز

از اوایل قرن سیزدهم هجری (حدود ۱۸۵۰ میلادی)، با رواج سفر ایرانیان به خارج از کشور، اقدام جدید شهرهای اروپایی جهت توسعه و ارتقای کیفی فضای شهری از طریق «خیابان‌کشی مجموعه‌ای» مورد توجه آنها قرار گرفت. این اقدام اقتدارگرایانه جهت اتصال دو نقطه اصلی شهر با تخریب بخشی از بافت (ساختمان یا فضای سبز) به صورت دستوری انجام می‌شد؛ لذا خیابان‌ها شکل خطی، عرض زیاد و جداره منظم داشتند، همچنین با درختان در طرفین تزئین می‌شد (آتشین‌بار، ۱۳۹۴). این رویکرد در حالی شکل گرفت که تا پیش از آن خیابان در ایران با سابقه ذهنی دیگری استفاده می‌شد: به صورت تکی و خارج از محدوده مرکزی شهر؛ و ایجاد آن به صورت یک اقدام مجموعه‌ای در شهر رایج نبود. همچنین در سفرنامه‌ها و نقشه‌های آن دوره برای نامیدن خیابان از واژه کوچه یا مشتقات آن استفاده می‌شد. میرزا محمد صالح شیرازی، ناشر روزنامه کاغذ اخبار، که

به فرمان عباس میرزا بین سال‌های ۱۲۳۰ تا ۱۲۳۴ برای تحصیل از تبریز به انگلستان می‌رود، برای توصیف لندن از کلید واژه کوچه‌های فراخ استفاده می‌کند در حالی که معنای کوچه برای ایرانیان چیزی غیر از توصیفی است که در متن آمده، همچنین ابعاد عملکردی این نوع راه مخصوصاً روشنایی آن مورد توجه وی قرار می‌گیرد: «در کوچه‌های لندن، خانه‌ها قرینه به یکدیگرند و دیوارها را آجرکاری کرده‌اند و در دهنه اسم هر کوچه و محله را نوشته‌اند و کوچه‌ها به حدی فراخ است که در اکثر کوچه‌ها چهار گاری به پهلوی یکدیگر می‌توانند رفت و آمد کنند دو طرف کوچه‌ها را سنگ‌کاری کرده‌اند که مردم راه روند و در میانه کوچه‌ها، گاری و بارکش و اسب می‌گذرد و از هر طرف کوچه به فاصله شش ذرع الی ده ذرع چراغی در فانوس شیشه در بالای در گذرانده‌اند» (شیرازی، ۱۳۴۷: ۱۰۳). در هفتمین سال سلطنت ناصر الدین شاه (۱۲۷۵ هجری و ۱۸۵۸ میلادی)، نقشه‌ای تحت عنوان دارالخلافه تهران توسط آگوست کرشیش فرانسوی،



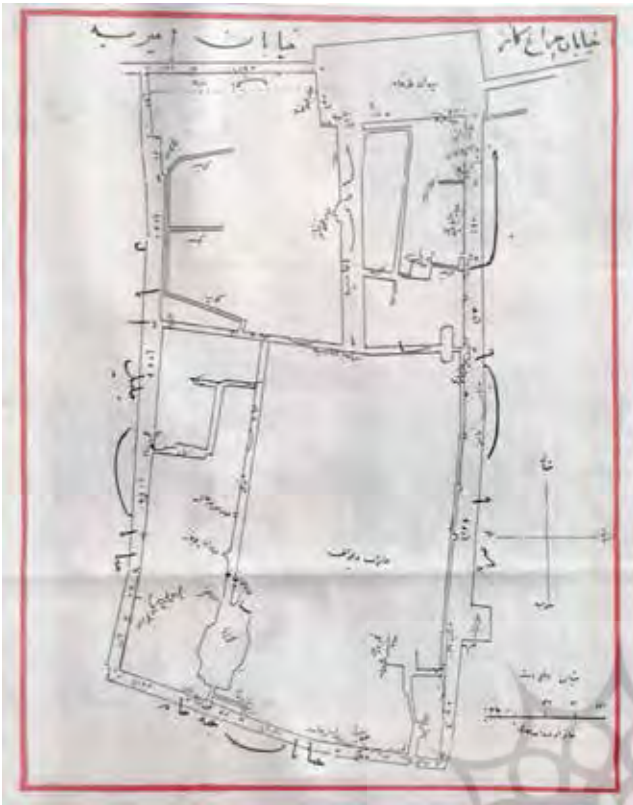
تصویر ۳. نقشه دارالخلافه تهران، ۱۲۷۵ قمری، آگوست کرشیش، هر ابهامی یکصد قدم. محل نگهداری: مرکز اسناد خطی کاخ گلستان. مأخذ: شیرازی، ۱۳۹۷: ۱۰.

علاءالدوله و امین‌السلطان و جناب حاجی ظهیرالدوله و بعضی از خانه‌های مخبرالدوله و سفارت دولت فرانسه و بعضی خانه‌ها و دکاکین، و در طرف دست چپ نیز دکاکین و بعضی از خانه‌های فرنگی‌ها و آرامنه و باغ ایلخانی که از باغ‌های خوب دولتی است ... و یک عمارت و دریاچه و باغ خوب هم جناب اشرف سپهسالار اعظم در جنب این خیابان قدری بالاتر از قصر قاجار ساخته است که محل تعیش خاص و عام است. این خیابان از نزدیک عشرت‌آباد و قصر قاجار و سلطنت‌آباد می‌گذرد، الی شمیرانات و منظره ... خیابان‌های زیاد دیگری هم در اطراف طهران هست که همه مشجر و کاشته شده است. معروف‌تر از سایرین، خیابانی است که از باغ بهجت‌آباد که نزدیک دروازه یوسف‌آباد می‌باشد، ساخته شده الی قریه و باغات و عمارات ونک که طول این خیابان دو فرسنگ است و هر دو طرف آن اشجار سایه‌دار باثمر است ... دیگر کوچه و خیابانی است که از دروازه مغربی توپخانه جدید ابتدا شده الی نزدیک دروازه اسبدوانی می‌رود و تازه امسال طرفین این خیابان را هم درخت کاشته‌اند. طرف راست این خیابان، میدان مشق است ... دیگر خیابان و کوچه‌ای است که دور آرک را مثل دایره و کمر بند احاطه دارد و امسال همه را درخت کاشته و سنگفرش کرده‌اند. آخر این دایره از یک طرف منتهی به خیابان شمس‌العماره می‌شود، از طرف دیگر منتهی به کوچه و خیابان مریضخانه می‌شود و طرفین این کوچه‌ها اغلب دکاکین است که اصناف معتبر می‌نشینند ... دیگر کوچه و خیابان شمس‌العماره است که بهترین بناها و بهترین کوچه‌های طهران می‌باشد ...» (محدث، ۱۳۹۱: ۳۵۱). کاربرد واژه خیابان در دوره قاجار با فضایی مشترک میان خیابان اروپایی و خیابان مقدس دوران سنت رواج می‌یابد. ابتدا به صورت دو کلمه مترادف کوچه و خیابان و تدریجاً برای نامیدن معابری که وجه عملکردی آنها غالب بود. به کارگیری عنوان خیابان برای فضاهای جدیدی که اغلب ریشه در تقلید از فرنگ داشتند، آغاز زوال معنایی خیابان در ایران به شمار می‌رود. می‌توان گفت خیابان امروزی معادل مفهومی پدیده‌ای است که با سقوط معنای باستانی آن آغاز شد و کم‌کم لباس جدیدی به تن کرد.

خیابان جدید در دوره پهلوی اول، با سیاست توسعه شهر بر مبنای خیابان‌سازی، واژه خیابان در ادبیات شهری ایران رواج یافت. تا قبل از این دوره خیابان در توسعه شهر استفاده محدود داشت و بیشتر خارج از محدوده مرکزی ساخته می‌شد؛ اما در این دوره، طی رابطه با اروپا و تفکرات مدرنیزاسیون رضاشاه، خیابان برای توسعه داخل شهر استفاده شد و توسط مستشاران اروپایی اجرا شد. خیابان با مفهوم جدید، در سازمان فضایی شهر تهران نقش مهمی ایفا کرد تا آنجا که برای کنترل و مدیریت آن نقشه‌ای با نام «خیابان‌ها» در سال ۱۳۰۹

معلم دارالفنون، همراه با تعدادی از شاگردان این مدرسه تهیه شد. در این نقشه نیز از واژه خیابان استفاده نشده و عناصر اصلی ارگ، مساجد، بازار، میدان، گذر، کوچه، دروازه، تکیه، باغ، بازارچه و محلات است (تصویر ۳). همچنین ناصرالدین شاه در سفر به فرانسه در سال ۱۲۹۰ هجری ۱۸۷۳ میلادی، برای تشریح خیابان‌های پاریس از واژه کوچه استفاده می‌کند و می‌نویسد: «اصل مکانیت آرک تریونف^{۱۱} طوری است که دوازده کوچه بسیار معتبر پاریس منتهی به میدان این بنا می‌شود و چراغ‌های این کوچه‌ها جمیعاً با جمعیت میان آنها طوری عجیب به نظر می‌آمدند (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۳: ۱۸۸)». پس از سفر ناصرالدین شاه به غرب، در سال ۱۲۹۵ هجری ۱۸۷۸ میلادی، نقشه درب‌های ورودی کاخ‌های سلطنتی توسط عبدالله مهندس تهیه می‌شود که در آن از واژه خیابان برای نامیدن محورهای جدید اطراف کاخ استفاده شده است (تصویر ۴). این نقشه را می‌توان اولین سندی دانست که در آن واژه خیابان در ادبیات شهری ایران به کار رفته است. این محورهای جدید به اقتباس از اقدامات اروپایی برای توسعه و ارتقای کیفی شهر احداث شده و از دو جنبه اهمیت داشتند: روحیه تفریحی حاکم بر آنها و نظم منظره‌پردازی شامل هندسه فضا و کاشت که برای ایرانیان محور اصلی باغ را نمایندگی می‌کرد، به نظر می‌رسد انتخاب واژه خیابان برای نامیدن آن به همین دلیل بوده است. سؤالی که باقی می‌ماند این است که چرا از واژه کوچه برای نامیدن خیابان استفاده می‌شود، در حالی که برای تشریح کالبدی فضای یک محور عریض، مشجر، اشرافی و تجاری، واژه گذر نزدیک‌تر بوده تا کوچه.

محمدحسن صنیع‌الدوله (اعتماد السلطنه) در خصوص خیابان‌های تهران در اواخر دوره ناصرالدین شاه می‌نویسد: «نیز از بناهای عمده خیابان‌ها و کوچه‌های طولانی می‌باشد ... اولاً کوچه‌ای است معروف به باب همایون ... که در اغلب اوقات ... اعلیحضرت از آن در بیرون آمده، سوار می‌شوند و سردری دارد معروف به سردر الماسیه. طول این کوچه نزدیک به هزار ذرع می‌شود ... در جنبین این کوچه هم درخت‌های سایه‌دار خوب غرس شده است و معجز گذاشته، سیم کشیده‌اند. عرض کوچه پانزده الی بیست ذرع است. دکاکین و خانه‌های خوب در طرفین کوچه است ... دیگر کوچه باغ ایلخانی می‌باشد که کوچه‌ای راست و بسیار طولانی است. عرض کوچه از پانزده ذرع الی بیست ذرع و طول آن نزدیک به ۲۵۰۰ ذرع است. طرفین کوچه همه درخت‌های خوب کاشته شده و کوچه سنگفرش است و لبه نهرهای جنبین همه از سنگ، و شب‌ها چراغ‌ها و فانوس‌ها روشن است. جنبین این کوچه باغات و عمارات عالیه هست ... در طرف راست این کوچه، خانه و باغ و عمارات جناب



تصویر ۴. نقشه درب‌های ورودی کاخ‌های سلطنتی، ۱۲۹۵ قمری، عبدالله مهندس، مقیاس ۱:۴۰۰۰. محورهای اطراف کاخ‌های سلطنتی با لفظ خیابان نام برده شده‌اند: خیابان ارگ، خیابان الماسیه، خیابان امیریه، خیابان جبه خانه، خیابان جدید، خیابان جلیل آباد، خیابان چراغ گاز، خیابان ناصریه. ماخذ: کتاب ۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان، جلد اول، صفحه ۲۲۶، از انتشارات روزنامه اطلاعات، مأخذ: شیرازیان، ۱۳۹۷: ۲۴.

پدید بیاید. این معنا، به فراموشی معنای اصیل و تاریخی خیابان در شهرهای ایران کمک زیادی کرد.

خیابان عبوری

پس از انقلاب، برای مدیریت کلان شهر تهران، ابتدا طرح ویکتور گروین مورد بهره‌برداری قرار گرفت. خیابان نواب تهران محصول طرح جامع اول است. نواب، خیابانی شمالی-جنوبی در مرکز تهران بود که از طریق بسط روابط و پیوندهای اجتماعی، قومی و فرهنگی، نقشی ساختاری در سازمان فضایی شهر بر عهده داشت. اما رویکرد مدرنیستی این طرح، خیابان نواب را تبدیل به بزرگراهی میان دو جزیره جدا از هم کرد و ارتباط سریع در اولویت قرار گرفت. پس از آن نیز مدیریت شهری تهران، رویکرد مشخصی برای ارتقای کیفی خیابان‌ها ندارد. آخرین طرح جامع تهران که سال ۱۳۸۶ به تصویب رسید نیز، به دلیل نداشتن یک رویکرد مشخص برای مدیریت خیابان‌ها، تهران را به یک پارکینگ بزرگ تبدیل کرده است. در ارزیابی آتلیه شهرسازی پاریس^{۱۵} از طرح جامع ۸۶، ارتباط نمادین،

شمسی تهیه و اصطلاح خیابان‌کشی رایج شد (تصویر ۴). حکومت پهلوی برای اجرای سازمان فضایی مدرن تهران که بر خیابان‌های جدید استوار بود، اعلان‌های زیادی در تهران پخش کرد (تصویر ۵) که قوانین بلدیة را برای عموم مردم شرح می‌داد (کیانی، ۱۳۸۳: ۶۵). برای نام‌گذاری خیابان‌های جدید از واژه‌های پهلوی و شاه‌رضا استفاده شد که مهر تأکید بر اهمیت رویکرد جدید حکومت و نقش نمادین خیابان‌های جدید بود. طی سال‌های بعد آیین نامه پیش‌آمدگی در گذرها به تصویب مجلس رسید و اصلاحات قانون توسعه معابر در تیر ماه سال ۱۳۲۰ را به دنبال داشت.

تصویر ۴. نقشه درب‌های ورودی کاخ‌های سلطنتی، ۱۲۹۵ قمری، عبدالله مهندس، مقیاس ۱:۴۰۰۰. محورهای اطراف کاخ‌های سلطنتی با لفظ خیابان نام برده شده‌اند: خیابان ارگ، خیابان الماسیه، خیابان امیریه، خیابان جبه خانه، خیابان جدید، خیابان جلیل آباد، خیابان چراغ گاز، خیابان ناصریه. ماخذ: کتاب ۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان، جلد اول، صفحه ۲۲۶، از انتشارات روزنامه اطلاعات (شیرازیان، ۱۳۹۷: ۲۴).

در دوره پهلوی دوم خیابان به مثابه یک محور عملکردی شهر با تأثیر از منشور آتن مورد توجه قرار گرفت و در اسناد شهری تثبیت شد. مهم‌ترین سند، اولین طرح جامع تهران است که در سال ۱۳۴۵ توسط مهندسین مشاور عبدالعزیز فرمانفرما، موسسه ویکتور گروئن^{۱۶} و با همکاری مهندسین مشاور «امان اند ویتنی»^{۱۷}، موسسه اقتصادی هلند و مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی تهیه و در سال ۱۳۴۷ به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران رسید. خیابان در طرح جامع تهران براساس رویکرد مدرن تبدیل به عنصر واسط و رابط میان منطقه‌های کارکردی شد^{۱۸} (تصویر ۶).

خیابان جدید

دگردیسی مفهوم خیابان در عصر پهلوی، شاهد دو دوره مختلف بود که در تکمیل زوال معنای سنتی خیابان، پشتیبان و ادامه یکدیگر بودند. نخست در دوره رضاشاه، خیابان به مثابه مفهومی نوین که حامل تجدد اقتدارگرایی عصر بود ظاهر شد. خیابان‌هایی با مقطع و نقشه تجربه شده در اروپا و به دست مستشاران غربی در تهران و سایر شهرهای ایران ساخته شد که بافت‌های کهن را بریدند و فریاد قدرتمند و مدرن خود را به مراکز تاریخی شهرها رسانیدند.

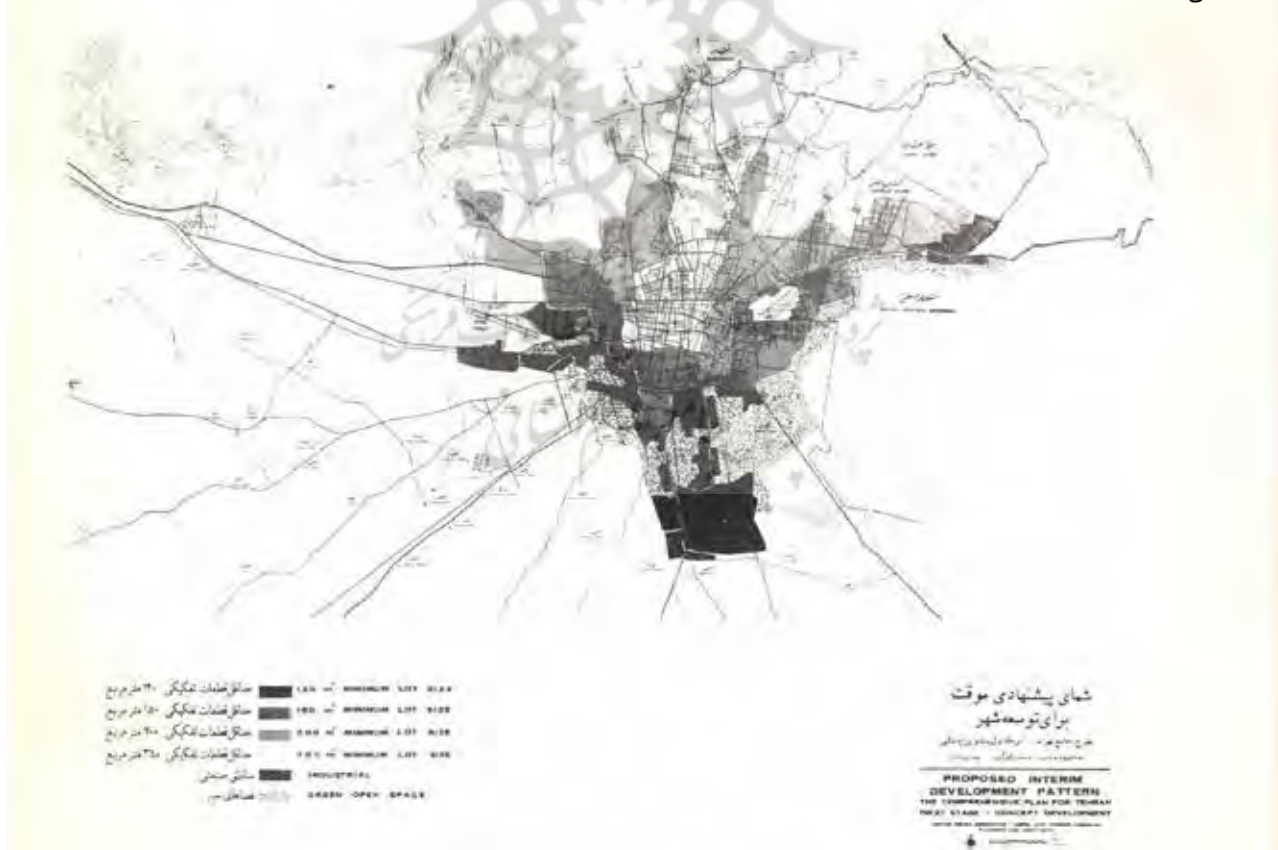
این روند در دوره پهلوی دوم، صورت نظام‌یافته به خود گرفت و شهرها در نواحی توسعه‌یافته و جدید خود، شاهد خیابان‌هایی بودند که پیش از پدید آمدن شهر، ظاهر می‌شدند تا بدنه و بافت شهری اطراف آنها شکل بگیرد و بدین ترتیب مفهوم جدید خیابان به مثابه عنصر رابط میان عناصر شهری شده

اجتماعی و عملکردی نظام خیابان‌ها مورد نقد قرار گرفته است : «خیابان یک عامل پایداری شهری است که از یک خالی و دو کناره تشکیل شده است. محدوده مناطق که منطبق بر محور خیابان‌هاست (مرز مناطق بر خیابان‌های اصلی شهر منطبق شده است)، نفی این واحد فضایی و اجتماعی است؛ بدین ترتیب خیابان، یکی از مهم‌ترین عرصه‌های حیات شهری و عنصر پایه در ادراک شهر و شکل‌گیری منظر شهر و هویت آن است، از خیل عناصر اصلی و سازمان فضایی شهر حذف می‌شود. در حالی که خدمات خرد آن مانند آسفالت و نظافت با تقسیم کار مناطق طرفین محور حل می‌شود، مدیریت فضا به مثابه یک کل کوچک و یک پهنه وحدت‌دار و نقش آفرین در شهر به فراموشی سپرده می‌شود» (منصوری، ۱۳۹۵: ۲۴۷).

با اجرای طرح جامع اول و طرح ۸۶ همه خیابان‌های تهران، به محور عبوری سواره تبدیل شده‌اند؛ مثال آن خیابان انقلاب است که علی‌رغم نقش مهم ساختاری و معنایی در سازمان اقدام نهایی برای تخریب مفهوم تاریخی خیابان در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی صورت پذیرفت. علی‌رغم این انتظار که شعارهای انقلاب می‌بایست برای احیای ارزش‌های



تصویر ۵. اعلان بلدیة تهران در خصوص ضوابط خیابان، آبان ۱۳۰۳، مأخذ: کیانی، ۱۳۸۳: ۶۵.



تصویر ۶. از آنجا رویکرد طرح جامع اول تهران به خیابان یک رویکرد مدرنیستی بود، کارکرد خیابان به مثابه عنصر رابط منطقه‌بندی شهر در اولویت قرار گرفت و مدل توسعه بر همین اساس پیشنهاد شد. در مطالعات این طرح وضع آسفالت، وضع پیاده‌روها، وضع جوی‌ها، خط‌کشی خیابان‌ها، توقف کنار خیابان، ایستگاه‌های اتوبوس، علائم راهنمایی، چراغ‌های راهنمایی و روشنایی خیابان‌ها از مباحث اصلی هستند. شمای پیشنهادی موقت برای توسعه شهر. مأخذ: فرمانفرمایان و گروئن، ۱۳۴۵: ۴-۹.

(شیرازیان، ۱۳۹۷ : ۲۴).

در دوره پهلوی دوم خیابان به مثابه یک محور عملکردی شهر با تأثیر از منشور آتن مورد توجه قرار گرفت و در اسناد شهری تثبیت شد. مهم‌ترین سند، اولین طرح جامع تهران است که در سال ۱۳۴۵ توسط مهندسین مشاور عبدالعزیز فرمانفرما، موسسه ویکتور گروئن^{۱۲} و با همکاری مهندسین مشاور «امان اند ویتنی»^{۱۳}، موسسه اقتصادی هلند و مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی تهیه و در سال ۱۳۴۷ به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران رسید. خیابان در طرح جامع تهران براساس رویکرد مدرن تبدیل به عنصر واسط و رابط میان منطقه‌های کارکردی شد^{۱۴} (تصویر ۶).

خیابان جدید

دگردیسی مفهوم خیابان در عصر پهلوی، شاهد دو دوره مختلف بود که در تکمیل زوال معنای سنتی خیابان، پشتیبان و ادامه یکدیگر بودند. نخست در دوره رضاشاه، خیابان به مثابه مفهومی نوین که حامل تجدد اقتدارگرای عصر بود ظاهر شد. خیابان‌هایی با مقطع و نقشه تجربه شده در اروپا و به دست مستشاران غربی در تهران و سایر شهرهای ایران ساخته شد که بافت‌های کهن را بریدند و فریاد قدرتمند و مدرن خود را به مراکز تاریخی شهرها رسانیدند.

این روند در دوره پهلوی دوم، صورت نظام‌یافته به خود گرفت و شهرها در نواحی توسعه‌یافته و جدید خود، شاهد خیابان‌هایی بودند که پیش از پدید آمدن شهر، ظاهر می‌شدند تا بدنه و بافت شهری اطراف آنها شکل بگیرد و بدین ترتیب مفهوم جدید خیابان به مثابه عنصر رابط میان عناصر شهری شده پدید بیاید. این معنا، به فراموشی معنای اصیل و تاریخی خیابان در شهرهای ایران کمک زیادی کرد.

خیابان عبوری

پس از انقلاب، برای مدیریت کلان شهر تهران، ابتدا طرح ویکتور گروین مورد بهره‌برداری قرار گرفت. خیابان نواب تهران محصول طرح جامع اول است. نواب، خیابانی شمالی-جنوبی در مرکز تهران بود که از طریق بسط روابط و پیوندهای اجتماعی، قومی و فرهنگی، نقشی ساختاری در سازمان فضایی شهر بر عهده داشت. اما رویکرد مدرنیستی این طرح، خیابان نواب را تبدیل به بزرگراهی میان دو جزیره جدا از هم کرد و ارتباط سریع در اولویت قرار گرفت. پس از آن نیز مدیریت شهری تهران، رویکرد مشخصی برای ارتقای کیفی خیابان‌ها ندارد. آخرین طرح جامع تهران که سال ۱۳۸۶ به تصویب رسید نیز، به دلیل نداشتن یک رویکرد مشخص برای مدیریت خیابان‌ها، تهران را به یک پارکینگ بزرگ تبدیل کرده است. در ارزیابی آتلیه شهرسازی پاریس^{۱۵} از طرح جامع ۸۶، ارتباط نمادین،

اجتماعی و عملکردی نظام خیابان‌ها مورد نقد قرار گرفته است : «خیابان یک عامل پایداری شهری است که از یک خالی و دو کناره تشکیل شده است. محدوده مناطق که منطبق بر محور خیابان‌هاست (مرز مناطق بر خیابان‌های اصلی شهر منطبق شده است)، نفی این واحد فضایی و اجتماعی است؛ بدین ترتیب خیابان، یکی از مهم‌ترین عرصه‌های حیات شهری و عنصر پایه در ادراک شهر و شکل‌گیری منظر شهر و هویت آن است، از خیل عناصر اصلی و سازمان فضایی شهر حذف می‌شود. در حالی که خدمات خرد آن مانند آسفالت و نظافت با تقسیم کار مناطق طرفین محور حل می‌شود، مدیریت فضا به مثابه یک کل کوچک و یک پهنه وحدت‌دار و نقش آفرین در شهر به فراموشی سپرده می‌شود» (منصوری، ۱۳۹۵ : ۲۴۷).

با اجرای طرح جامع اول و طرح ۸۶ همه خیابان‌های تهران، به محور عبوری سواره تبدیل شده‌اند؛ مثال آن خیابان انقلاب است که علی‌رغم نقش مهم ساختاری و معنایی در سازمان فضایی شهر تهران، کاراکتر ترافیکی آن بسیار پررنگ است.

اقدام نهایی برای تخریب مفهوم تاریخی خیابان در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی صورت پذیرفت. علی‌رغم این انتظار که شعارهای انقلاب می‌بایست برای احیای ارزش‌های اصیل فرهنگی و تاریخی ملت در مظاهر تمدن جلوه‌گر شود، نشانه‌ای از دگرگونی روند زوال معنایی خیابان در ایران پس از انقلاب دیده نمی‌شود. در مقابل، تأکید زیادی از سوی رهبران کشور برای استقلال‌طلبی در بعد سیاسی آن صورت گرفت که جنگ و تحریم‌های اقتصادی تبعات آن بود. در عین حال شهرهای ما همچنان با قواعد طرح‌های جامع و رویکردهای مدرنیستی که خیابان را حتی در عنصر رابط عناصر شهری نیز نمی‌دید اداره شد و تدریجاً خیابان با شکستی بی‌سابقه در مفهوم خود، تنها به عنوان یک کالبد که نقش عبور و انتقال ترافیک سواره و نه مکث پیاده را تسهیل می‌کند شناخته شد و مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

نتیجه‌گیری

خیابان، منظری اسطوره‌ای در تمدن ایران بوده که بر حسب تحولات تاریخی آن می‌توان جایگاه و نقش ارزنده آن در ذهن مخاطبان را در دوره‌های مختلف تعقیب کرد. این که واژه‌های براساس اهمیت آب، عنصر مقدس ایرانی و مکان آن بنا شود بنیادی به آن می‌بخشد که تداوم و تکامل معنایی آن در مظاهر رده‌های بعدی، تولید فضا و مکان را ممکن می‌سازد. این تقدیر برای خیابان در ایران رخ داد و نخست در صورت آیینی به ایجاد مکان‌هایی برای زیارت و ارتباط با آسمان، مکان‌ساز شد و بعد از آن به فضایی اختصاصی در باغ بدل شد که هم‌نشین فضایی معبدگونه در فرهنگ باستان ایران باشد. سپس به واسطه ارتباط‌های جدید خود با زندگی پس از

و تونیان، غوروان و باشتان، کمیران، سبقو، خیابان، گذاره، انجیل، النجان، ادوان و تیران، پروانه و هوردشنگ در کتاب جغرافیای حافظ ابرو آمده است. / ۴. همان شهر هرات است: هری شهر بزرگ است و شهرستان وی سخت استوار است و او را قهندز است و ربض است و اندر وی آبهاء روان است و مزگت جامع این شهر آبادان تر مزگت هاست بمردم از همه خراسان و بر دامن کوه است و جای بسیار نعمتست و اندر وی تازیانند بسیار و او را رودیست بزرگ که از حد میان غور و گوزگانان رود و اندر نواحی او به کار شود. و از او کرباس و شیرخشت و دوشاب خیزد (بی نام، ۱۳۴۰: ۹۱). / ۵. فخر رازی متوفی به سال ۶۰۶ هجری قمری. / ۶. ارادت خان عالمگیری متخلص به واضح، مؤلف تاریخ ارادت خان، متوفی به سال ۱۱۲۸ ق. / ۷. سال ۹۱۹ تا ۹۸۴ هجری قمری. / ۸. خواجه زین العابدین علی مشهور به عبدی بیگ شیرازی متوفی به سال ۹۹۸ قمری از ادیبان و حکیمان دولت صفوی است. / ۹. Pascal Coste / ۱۰. Arc de / ۱۱. Aman & Vitni / ۱۲. Victor David Gruen / ۱۳. triomphe de l'Étoile / ۱۴. Zoning / ۱۵. Atelier parisien d'urbanisme

فهرست منابع

- آتشین بار، محمد. (۱۳۹۴). منظر خیابان نفوذی؛ تأثیر خیابانهای نفوذی بر منظر شهری پاریس. منظر، ۷ (۳۰): ۶۱-۵۴.
- آل هاشمی، آیدا. (۱۳۹۱). خیابان قزوین: حضور باغ در شهر؛ بازخوانی خیابان قزوین با تکیه بر اشعار عبدی بیگ و سایر مکتوبات موجود. باغ نظر، ۹ (۲۲): ۶۵-۷۴.
- اسفزاری، معین‌الدین محمد زمچی. (۱۳۳۸). *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*. تصحیح محمد کاظم امام. تهران: دانشگاه تهران.
- انصاری، ابو اسمعیل عبدالله. (۱۳۴۱). *طبقات الصوفیه*: تألیف بعد از سال ۴۸۱ هجری. به کوشش عبد الحی حبیبی قندهاری از روی سه نسخه خطی استانبول و کلکته با نسخه بدل. افغانستان: وزارت معارف.
- اهری، زهرا. (۱۳۸۵). خیابان چهار باغ اصفهان: مفهومی نو از فضای شهری. *گلدستان هنر*، ۲ (۵): ۵۹-۴۸.
- براتی، ناصر و زرین قلم، فرزاد. (۱۳۹۲). بازشناسی مفهوم «راه» از دیدگاه یک جهان زبانی- فرهنگی با تأکید بر واژه‌های حوزه معنایی «فضاهای ارتباطی» در زبان فارسی. *باغ نظر*، ۱۰ (۲۴): ۱۱۶-۱۰۵.
- بیهقی دبیر، خواجه ابوالفضل محمد بن حسین. (۱۳۸۳). *تاریخ بیهقی*. تصحیح علی اکبر فیاض. به اهتمام محمد جعفر یا حقی. چاپ چهارم. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- جنیدی، فریدون. (۱۳۹۰). *مصاحبه شفاهی در جلسات ویرایش رساله دکتری*. تهران: بنیاد نیشابور.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطفاله. (۱۳۴۹). *جغرافیای حافظ ابرو*: قسمت ربع خراسان. تصحیح رضا مایل هروی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- حبیبی افغانی، عبد الحی. (۱۳۴۹). تحقیق برخی اماکن از تاریخ بیهقی. *نیغا*، ۲۳ (۸): ۴۵۷-۴۶۵.
- خادمی، مسعود و پورجعفر، محمدرضا و علی پور، روجا. (۱۳۸۹). درآمدی بر مفهوم خیابان به عنوان فضای شهری (نگرشی بر نظریات و تفکرات معاصر). *کتاب ماه هنر*، ۱۳ (۱۴۲): ۴۵-۳۸.
- خانلو، منصور. (۱۳۶۴). *تبریز قدیم: سرگذشت تبریز از قدیمی‌ترین ایام تا کنون*. تبریز: انتشارات تلاش.
- دانشپور، عبدالهادی. (۱۳۷۹). *بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهری (خیابان) نمونه موردی: تهران، خیابان انقلاب*. رساله دکتری. دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا.

اصیل فرهنگی و تاریخی ملت در مظاهر تمدن جلوه‌گر شود، نشانه‌ای از دگرگونی روند زوال معنایی خیابان در ایران پس از انقلاب دیده نمی‌شود. در مقابل، تأکید زیادی از سوی رهبران کشور برای استقلال‌طلبی در بعد سیاسی آن صورت گرفت که جنگ و تحریم‌های اقتصادی تبعات آن بود. در عین حال شهرهای ما همچنان با قواعد طرح‌های جامع و رویکردهای مدرنیستی که خیابان را حتی در عنصر رابط عناصر شهری نیز نمی‌دید اداره شد و تدریجاً خیابان با شکستی بی‌سابقه در مفهوم خود، تنها به عنوان یک کالبد که نقش عبور و انتقال ترافیک سواره و نه مکث پیاده را تسهیل می‌کند شناخته شد و مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

نتیجه‌گیری

خیابان، منظری اسطوره‌ای در تمدن ایران بوده که بر حسب تحولات تاریخی آن می‌توان جایگاه و نقش ارزنده آن در ذهن مخاطبان را در دوره‌های مختلف تعقیب کرد. این که واژه‌های براساس اهمیت آب، عنصر مقدس ایرانی و مکان آن بنا شود بنیادی به آن می‌بخشد که تداوم و تکامل معنایی آن در مظاهر رده‌های بعدی، تولید فضا و مکان را ممکن می‌سازد. این تقدیر برای خیابان در ایران رخ داد و نخست در صورت آیینی به ایجاد مکان‌هایی برای زیارت و ارتباط با آسمان، مکان‌ساز شد و بعد از آن به فضایی اختصاصی در باغ بدل شد که هم‌نشین فضایی معبدگونه در فرهنگ باستان ایران باشد. سپس به واسطه ارتباط‌های جدید خود با زندگی پس از مرگ در مقبره‌ها، همچنان اهمیت خود را به نمایش می‌گذارد. بهره‌گیری از معنای آن جهانی خیابان در عصر صفوی به تولید خیابان به عنوان عرصه اجتماعی شهری سرایت کرد و توافقی میان خیابان این دنیا با خیابان آیینی پدیدار شد. در عصر قاجار و در نخستین تبادلات ایرانیان با اروپا، خیابان‌های کالبدی و کارکردی اروپا به مدد تقلیدهای شاهانه، سایه خود را بر اصالت اندیشه در تولید خیابان ایرانی گستراندند و اصطلاح مترادف کوچه و خیابان، برای دنیوی‌سازی مفهوم قدسی خیابان به کار گرفته شد. این روند در اواخر قاجار و بعد در دوران پهلوی به تولید خیابان کالبدی و عملکردی منتهی شد. خیابانی که سرنوشت شوم آن در دوران انقلاب اسلامی، علی‌رغم توقعات کاملاً متفاوت، با تنزل آن به نقش عبوری رقم خورد.

پی‌نوشت‌ها

۱. سروده طایری زیارتگاهی، نویسنده و شاعر قرن نهم هجری. این بیت به دو بعد کالبدی (جمال خیابان) و معنایی (کمال خیابان) اشاره دارد. / ۲. اکثر نظریه‌پردازان معتقد هستند دوره معاصر تاریخ ایران از اواسط حکومت قاجار (سلطنت ناصرالدین شاه - مشروطیت) آغاز می‌شود. / ۳. بلوک با ضم ب و اشباع و به معنای دهستان و متشکل از چند قریه است؛ اسامی سایر بلوک‌ها شامل توران

- منصورى، سيد امير. (۱۳۹۵). نقد و بررسى طرح جامع تهران ۸۶. تهران: پژوهشکده نظر.
- منصورى، سيد امير و محمدزاده، شبنم. (۱۳۹۶). تحولات سازمان فضايى شهر تبريز از اوایل اسلام تا دوره قاجار. باغ نظر، ۱۴ (۵۱): ۲۱-۳۲.
- ميرخواند: مير محمد بن سيد برهان الدين خاوند شاه. (۱۳۳۹). تاريخ روضه الصفا در سده نهم هجرى. جلد هفتم. تهران: انتشارات کتابفروشى‌هاى مرکزى - خيام - پيروز.
- بى‌نام. (۱۳۴۰). حدود العالم من المشرق الى المغرب. به كوشش منوچهر ستوده. تهران: دانشگاه تهران.
- نفيسى، سعيد. (۱۳۴۴). در مکتب استاد: از برنامه‌هاى راديو ايران شامل مباحثى درباره درست سخن گفتن، درست نوشتن و درست خواندن. تهران: انتشارات عطايى.
- ياقوت حموى، ياقوت بن عبدالله. (۱۳۹۶). معجم‌البدان. جلد دوم. ت: علينقى منزوى. تهران: پژوهشگاه ميراث فرهنگى و گردشگرى.
- Coste, P. (1867). *Monuments modernes de la Perse mesurés, dessinés et décrits*. Paris: éd. Morel.
- دبیر سىياقى، سيد محمد. (۱۳۷۹). خيابان. خراسان پژوهى، ۳ (۱): ۱۹۹-۲۰۸.
- سىفى هروى، سىف بن محمد. (۱۳۸۲). تاريخ‌نامه هرات. تصحيح محمد زبیرالصدىقى. تهران: انتشارات خيام.
- شيرازى، ميرزا صالح. (۱۳۴۷). اروپا در زمان محمد شاه قاجار. تصحيح فتح الله فتاحى. تهران: چاپخانه بانک بازرگانى.
- شيرازيان، رضا. (۱۳۹۷). تهران‌نگارى: طهران در مطبوعات دوران قاجار: دوره‌هاى ناصرى و مظفرى. تهران: انتشارات دستان.
- فرمانفرمايى، عبد العزيز و گروئن، ويكتور. (۱۳۴۵). طرح جامع تهران: مرحله اول، تدوين ايده كلى. جلد اول مقدمه و خلاصه.
- كيانى، مصطفى. (۱۳۸۳). معماری دوره پهلوى اول، دگرگونى اندیشه‌ها، پيدايش و شكل‌گيرى معماری دوره بيست ساله معاصر ايران. تهران: مؤسسه مطالعات تاريخ معاصر ايران.
- متينى، جلال. (۱۳۶۱). خيابان. ايران نامه، ۱ (۱): ۵۷-۹۹.
- محدث، ميرهاشم. (۱۳۹۱). رسايل اعتماد السلطنه: شامل بيست و چهار رساله. تهران: اطلاعات.
- مشكور، محمد جواد. (۱۳۵۲). تاريخ تبريز تا پايان قرن نهم هجرى. تهران: انتشارات انجمن آثار ملي.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

آتشین‌بار، محمد و متدین، حشمت‌اله. (۱۳۹۷). زوال بعد معنایی خیابان در ایران (از دوران باستان تا امروز). باغ نظر، ۱۵ (۶۷): ۷۱-۸۰.

DOI: 10.22034/bagh.2018.80615

URL: http://www.bagh-sj.com/article_60565.html

